

بررسی رابطه بین تورم و استقلال بانک مرکزی در ایران

نویسندگان: انوشیروان تقی پور*
افسانه موسوی آزاد کسمائی*

چکیده

در این مطالعه، استقلال بانک مرکزی و رابطه آن با تورم با استفاده از داده‌های ۵۶ کشور در حال توسعه طی دهه ۹۰ بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که در این کشورها ارتباط معناداری بین تورم و استقلال بانک مرکزی وجود ندارد. به عبارت دیگر، براساس شواهد موجود، تمام کشورهای در حال توسعه با درجه بالای استقلال بانک مرکزی دارای نرخ تورم پایین نیستند به عواملی از قبیل درجه توسعه یافتگی بازارهای مالی، ساختار درآمدی کشور و نحوه تأمین مالی کسری بودجه آنها بستگی دارد. با توجه به نتایج به دست آمده و نیز با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر منابع درآمدی و توسعه نیافتگی بازارهای مالی در ایران، استقلال بانک مرکزی کشور به تعمق بیشتری نیاز دارد و لازم است قبل از هر چیز توسعه بازار مالی و اصلاح ساختار بودجه دولت مورد توجه قرار گیرد.

* کارشناسان دفتراقتصادکلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۱. مقدمه

استقلال بانک مرکزی از دهه ۱۳۸۰ در سطح بین‌المللی به عنوان ابزاری برای کاهش فشارهای تورمی از طریق سیاست‌های پولی مطرح شد. یافته‌های مطالعات تجربی عموماً تأیید می‌کنند که کشورهای توسعه یافته از طریق استقلال بانک مرکزی موفق به کاهش تورم شده‌اند، ولی کشورهای در حال توسعه نتایج موفق‌تری را به دست نیاورده‌اند. عملکرد کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی به تنهایی منجر به کاهش و ثبات قیمت‌ها نمی‌شود و ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و تورم بسیار ضعیف است، ولی این رابطه برای کشورهای توسعه یافته در بسیاری از مطالعات مورد تأیید قرار گرفته است.

بر این اساس، هدف این مطالعه آن است که رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم را بررسی کند و با استفاده از آن، درس‌هایی برای اقتصاد ایران در جهت افزایش درجه استقلال بانک مرکزی و همچنین الزامات لازم برای رسیدن به این امر ارائه دهد.

این مقاله بدین صورت سازماندهی شده است که در بخش دوم، مباحث نظری و تجربی ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و تورم ارائه شود. در بخش سوم، شاخص‌های استقلال بانک مرکزی بررسی و در این خصوص چهار شاخص معرفی شده است. در بخش چهارم، الگوی تحقیق تصریح و رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم با کمک داده‌های ۵۶ کشور در حال توسعه، از جمله ایران طی دهه ۱۹۹۰ برآورد شده و الزامات وجود رابطه بین استقلال بانک مرکزی و کاهش تورم مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش آخر نتیجه‌گیری تحقیق بیان شده است.

۲. رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم: مطالعات نظری و تجربی

در ادبیات اقتصادی یکی از دلایل اصلی روی آوردن مقامات پولی به استقلال بانک مرکزی، پایین آوردن نرخ تورم است. برخی از مطالعات نشان داده‌اند که اگر سیاست پولی به بانک مرکزی مستقل واگذار شود، تورش تورمی سیاست پولی کاهش می‌یابد.

به طور کلی در متون اقتصادی سه دلیل ارائه شده است که چرا اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی مستقل (با فرض ثابت بودن سایر عوامل)، نرخ تورم را پایین می‌آورد. دو دلیل از بین آنها به

وضعیت مالی دولت مربوط است در حالی که دلیل سوم به مباحث ناسازگاری زمانی بر می‌گردد گوتیرز^۱ (۲۰۰۳).

در مورد دلیل اول می‌توان گفت که دولت‌ها مایلند از طریق اعمال فشارهای سیاسی بر مقامات پولی، سیاست پولی را در جهت اعطای اعتبارات تسهیل نمایند، زیرا سیاست پولی انقباضی وضعیت مالی دولت را از طریق کاهش درآمدهای حق‌الضرب، افزایش بهره بدهی و کاهش دریافتی‌های مالیاتی به دلیل رکود موقت اقتصادی در شرایط نامناسبی قرار می‌دهد. در شرایطی که بانک مرکزی از استقلال سیاسی برخوردار باشد، می‌تواند در برابر فشارهای دولت در جهت سیاست انبساطی پول پافشاری کند.

دوم آنکه، وقتی مقامات پولی برای تأمین مالی کسری دولت تحت فشار قرار گیرند و آن را از طریق خلق پول تأمین نمایند، عرضه پول درونزا می‌شود. ولی وقتی بانک مرکزی استقلال اقتصادی داشته باشد می‌تواند دولت را مجبور کند تا کسری خود را کاهش دهد.

دلیل سوم آن است که دولت‌ها اهداف کوتاه مدت را دنبال می‌کنند که با اهداف بلند مدت ناسازگاری دارد. برای مثال، دولت‌ها تلاش می‌کنند که رشد اقتصادی را از طریق افزایش عرضه پول افزایش دهند و با هزینه افزایش قیمت‌ها در آینده از چسبندگی قیمت‌ها در کوتاه مدت بهره ببرند. پری اسکات و کیدلند (۱۹۷۷)، گوردون و بارو^۲ (۱۹۸۳).

گرچه استقلال بانک مرکزی از دهه ۱۳۸۰ به عنوان ابزاری برای کاهش فشارهای تورمی در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت، کشورهای در حال توسعه عموماً نتایج موفق‌تری را در زمینه کاهش تورم به دست نیاورده‌اند و عملکرد این کشورها نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی به تنهایی منجر به کاهش و ثبات قیمت‌ها نمی‌شود و ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و تورم بسیار ضعیف است.

در کشورهای در حال توسعه که بازارهای مالی عمق کمتری دارند و دولت‌ها برای استقراض به بازارهای سرمایه خارجی دسترسی محدودتری دارند، احتمال وجود بانک مرکزی مستقل بسیار ضعیف است.

در نظام نرخ ثابت ارز که در آن هماهنگی بین بانک مرکزی و دولت حائز اهمیت است، بانک مرکزی مستقل جایگاه چندانی ندارد، زیرا سیاست پولی توسط سایر اهداف به غیر از ثبات قیمت‌ها

1. Gutierrez

2. Barro and Gordon (1983), Kydland and Prescott (1977)

محدود می‌شود. در نتیجه، در کشورهای در حال توسعه که در آنها ارزش پول داخلی‌شان بر حسب سبدهی از پول یک کشور و یا یک منطقه تعیین می‌شود، احتمال ضعیفی وجود دارد که این کشورها بانک مرکزی مستقل داشته باشند.

بانیان، لانی و ویلت^۱ (۱۹۸۳) بیان می‌کنند کشورهای در حال توسعه فاقد بازارهای مالی توسعه یافته هستند، لذا غیر ممکن است که استقلال بانک مرکزی در این کشورها منجر به کاهش تورم گردد. در نتیجه حرکت به سمت استقلال بانک مرکزی در این کشورها باید با توجه به مشخصه‌های این کشورها مورد بررسی قرار گیرد، نه اینکه نتایج عملکرد کشورهای موفق OECD تعمیم داده شود. آنها همچنین معتقدند که استقلال بانک مرکزی باید بعد از توسعه بازارهای مالی مورد توجه قرار گیرد، زیرا در این شرایط ثبات اعتبار سیاست‌های ضد تورمی دولت بهتر و مطمئن‌تر خواهد بود.

ماس^۲ (۱۹۹۵) بیان می‌کند که در کشورهای در حال توسعه بین دولت و بانک مرکزی مناقشاتی وجود دارد که این امر هماهنگی سیاست‌های پولی و بودجه‌ای را به معضل اساسی در آن کشورها تبدیل می‌کند. این مناقشات می‌تواند در مورد مدیریت بدهی عمومی و شرایط اعتباری داخلی، مدیریت نرخ ارز و ثبات نهادی در بخش مالی باشد.

دبلی و فیشر^۳ (۱۹۹۴) شواهدی را ارائه می‌دهند که استقلال سیاسی بانک مرکزی در کاهش تورم نقش مهمی ندارد. همچنین در کشورهای در حال توسعه ارتباط بین تورم و شاخص قانونی استقلال بانک مرکزی ضعیف است. اما در برخی از مطالعات نرخ تورم با شاخص نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی رابطه معناداری دارد.

مطالعات جاکوب و کوایی^۴ (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که بین شاخص قانونی استقلال بانک مرکزی و تورم در کشورهای OECD یک رابطه معناداری وجود دارد، اما در مورد کشورهای در حال توسعه این رابطه به طور آشکار مشخص نیست. آنها همچنین از شاخص دیگری برای استقلال بانک مرکزی مبتنی بر طول دوره تصدی ریاست بانک مرکزی که کوکرمین^۵ (۱۹۹۲) معرفی کرده است، استفاده نمودند و با کمک این شاخص، مطالعات خود را برای ۸۲ کشور در حال توسعه طی دهه ۸۰

1. Banaian, Laney and Willett

2. Mas

3. Debelle and Fischer

4. Jakobe and Kooi

5. Cukierman

انجام دادند و نتیجه گرفتند که استقلال بانک مرکزی رابطه منفی و معناداری با تورم دارد، چنانچه فقط کشورهای با تورم بالا در نمونه در نظر گرفته شود.

کمپیلو و میرون^۱ (۱۹۹۷) به این نتیجه رسیدند که شاخص استقلال بانک مرکزی (با فرض ثابت بودن سایر عوامل) اهمیت کمی در تعیین نرخ تورم دارد. آنها دریافتند که متغیرهایی از قبیل درجه بازبودن اقتصاد، بی‌ثباتی سیاسی و شاخص اختلالات سیاسی دولت تا حدود زیادی با تورم در ارتباط هستند.

کوکرمین و وب^۲ (۱۹۹۵) بحث می‌کنند که تعدد تغییرات ریاست بانک مرکزی منعکس کننده تغییر سیاسی T مثل تغییر رژیم سیاسی، و رئیس جدید دولت، و همچنین تغییرات جناح‌های سیاسی است؛ که به تبع خود تغییرات ریاست بانک مرکزی را به دنبال دارد. آنها یک شاخص آسیب‌پذیری سیاسی بانک مرکزی را معرفی کردند، بدین صورت که انتقالات جناح‌های سیاسی بلافاصله به تبع خود، موجب تغییر رئیس بانک مرکزی می‌شود. نتایج مطالعات آنها برای ۶۴ کشور طی دوره ۱۹۸۹-۱۹۹۵ نشان می‌دهد که شاخص آسیب‌پذیری سیاسی بانک مرکزی تأثیر مثبت و معناداری بر تورم دارد. همچنین اگر بی‌ثباتی سیاسی به الگو اضافه شود، شاخص آسیب‌پذیری به طور معناداری بر رشد اقتصادی تأثیر منفی دارد.

۳. مروری بر روش‌های اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی

در مطالعات تجربی از شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی استفاده شده که هر یک از این شاخص‌ها از اجزای مختلفی تشکیل یافته است. در این قسمت برخی از شاخص‌های مهم به اختصار ارائه می‌گردد.

گریلی، ماسکیاندارو و تابلینی^۳ (۱۹۹۱) استقلال بانک مرکزی را به دو جزء استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی تقسیم کردند. استقلال سیاسی توسط عواملی از قبیل مراحل نصب رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک مرکزی، دوره تصدی منصوبان و میزان مسئولیت بانک مرکزی برای دستیابی به ثبات قیمت تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، استقلال سیاسی نشان دهنده آن است که تا

1. Campillo and Miron

2. Webb

3. Grilli, Masciandaro, and Tabelini

چه حد به بانک مرکزی اجازه داده می‌شود تا بر هدف اصلی‌اش بدون مداخله مقامات سیاسی پافشاری کند. استقلال اقتصادی به عواملی مانند کنترل میزان اعتبارات بانک مرکزی به دولت، میزان آزادی بانک مرکزی در تعیین نرخ بهره و وام‌ها و نرخ تنزیل و میزان توانایی بانک مرکزی در کنترل ابزارهای سیاست پولی وابسته است.

دبلی و فیشر (۱۹۹۴) استقلال بانک مرکزی را بر اساس هدف و ابزار مورد بررسی قرار دادند. استقلال هدف نشان دهنده آزادی بانک در تعیین اهداف سیاست‌های پولی است و استقلال ابزار، بیانگر آزادی بانک در تعیین ابزارها در جهت دستیابی به اهداف است.

کوکرمن (۱۹۹۲) استقلال بانک مرکزی را بر اساس دو شاخص قانونی و واقعی بررسی کرده است. شاخص قانونی استقلال بانک مرکزی به ۴ جزء اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. عزل و نصب و دوره تصدی رئیس بانک مرکزی،
 ۲. گروه تعیین کننده سیاست که وظیفه حل مناقشات را در مورد سیاست پولی بر عهده دارد،
 ۳. اهداف بانک مرکزی،
 ۴. محدودیت‌های بانک مرکزی در اعطای وام به بخش دولتی.
- این ۴ جزء بر اساس ۱۶ متغیر مختلف قانونی ساخته شده‌اند که هر متغیر بین صفر (کمترین درجه استقلال) و یک (بیشترین درجه استقلال) رتبه بندی می‌شوند (جدول ۱).
- جدول مذکور شامل ۱۶ پرسش است که شاخص کل به شرح زیر محاسبه می‌شود: ۴ متغیر اول بر اساس میانگین ساده به یک متغیر تبدیل، و به میانگین حاصل وزن $0/2$ اختصاص داده می‌شود. سه پرسش بعدی درباره تدوین سیاست، به یک پرسش تبدیل می‌شود، ولی نتایج حاصل از طریق میانگین وزنی به دست می‌آید. بدین ترتیب که برای پرسش حل مناقشات وزن $0/5$ و برای بقیه وزن $0/25$ اختصاص داده می‌شود و به میانگین وزنی حاصل از این سه پرسش، وزن $0/15$ داده می‌شود. پرسش در مورد اهداف به عنوان یک متغیر جداگانه محسوب می‌گردد که وزن آن $0/15$ است. ۴ پرسش اول از ۸ پرسش باقیمانده که در مورد محدودیت‌های اعطای وام به دولت است، به طور جداگانه محاسبه می‌شود که وزن‌های متناظر با آن در جدول مذکور مشخص شده است. البته ۴ پرسش آخر ابتدا از طریق محاسبه میانگین ساده به یک متغیر تبدیل شده و به عدد حاصل وزن $0/1$ داده می‌شود. شاخص کل از حاصل جمع اعداد نهایی مراحل فوق به دست می‌آید.

جدول ۱. متغیرهای پرسشنامه در شاخص استقلال قانونی بانک مرکزی

شماره متغیر	شرح متغیر	وزن	کدگذاری عددی
۱	بالاترین مسئول اجرایی (رئیس بانک مرکزی)	۰/۲	
	الف) مدت خدمت		
۱	• بالای ۸ سال		
۰/۷۵	• ۶ تا ۸ سال		
۰/۵	• ۵ سال		
۰/۲۵	• ۴ سال		
۰	• زیر ۴ سال		
	ب) بالاترین مسئول اجرایی توسط چه کسی تعیین می شود		
۱	• هیئت مدیره بانک مرکزی		
۰/۷۵	• شورایی از هیئت بانک مرکزی، قوه مجریه و مقننه		
۰/۵	• قوه مقننه		
۰/۲۵	• هیئتی از قوه مجریه (برای مثال هیئت وزیران)		
۰	• یک یا دو عضو از قوه مجریه		
	ج) عزل		
۱	• مقرراتی برای انفصال وجود ندارد		
۰/۸۳	• تنها به دلایل غیر سیاسی		
۰/۶۷	• در اختیار هیئت بانک مرکزی		
۰/۵	• در اختیار قوه مقننه		
۰/۳۳	• امکان انفصال بدون قید و شرط به وسیله قوه مقننه		
۰/۱۷	• در اختیار قوه مجریه		
۰	• امکان انفصال بدون قید و شرط به وسیله قوه مجریه		
	د) آیا بالاترین مسئول اجرایی می تواند وظیفه دیگری در دولت داشته باشد		
۱	• خیر		
۰/۵	• تنها با اجازه قوه مجریه		
۰/۲۵	• قانونی وجود ندارد		



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شماره متغیر	شرح متغیر	وزن	کدگذاری عددی
۲	تدوین سیاست	۰/۱۵	
۶۷	مجله برنامه		
۱	بانک به تنهایی		
۰/۶۷	بانک سهم دارد		
۰/۳۳	بانک تنها نظر مشورتی به دولت می دهد		
۰	بانک هیچ نقشی ندارد		
۱	(ب) در حل مناقشات حرف آخر را چه کسی بیان می کند		
۰/۱۸	بانک، در مسائلی که در قانون تعریف شده است		
۰/۱۸	دولت، در مسائل سیاسی که به عنوان هدف های بانک صریحاً تعریف نشده است		
۰/۶	شورایی از بانک مرکزی، قوه مجریه و قوه قضاییه		
۰/۴	قوه مقننه در زمینه مسائل سیاستی		
۰/۲	قوه مجریه در مسئل سیاستی		
۰/۲	قوه مجریه، امتیاز غیر مشروط دارد		
۰/۵	(ج) نقش بانک مرکزی در فرآیند بودجه		
۰	بانک مرکزی فعال است		
۰/۵	بانک مرکزی تاحدودی فعال است		
۰	بانک مرکزی نقشی ندارد		
۳	اهداف	۰/۱۵	
۱	مطابق اساسنامه، ثبات قیمت هدف اصلی است و در صورت اختلاف با سایر اهداف دولت، تصمیم نهایی با بانک مرکزی است		
۰/۱۸	ثبات قیمت تنها هدف است		
۰/۶	ثبات قیمت یک هدف در کنار سایر اهداف سازگار با آن مانند نظام بانکداری پایا است		
۰/۴	ثبات قیمت یک هدف در کنار سایر اهداف ناسازگار با آن مانند اشتغال کامل است		
۰/۲	هیچ هدفی در اساسنامه بانک ذکر نشده است		
۰	هدف های موجود در اساسنامه، شامل ثبات قیمت ها نمی شود		
۴	محدودیت های اعطای وام به دولت		
۰/۱۵	(الف) محدودیت وام و اعتبار		
۱	پرداخت هیچ وام مجاز نیست		
۰/۶۷	پرداخت وام با حد مشخص (برای مثال حداکثر ۱۵٪ درآمد دولت) مجاز است		
۰/۳۳	پرداخت وام با حد انعطاف پذیر (برای مثال بیش از ۱۵٪ درآمد دولت) مجاز است		
۰	هیچ محدودیت قانونی برای اعطای وام وجود ندارد		
۰/۱	(ب) وام تضمینی		
۱	مجاز نیست		
۰/۶۷	با رعایت حد مشخص (برای مثال حداکثر ۱۵٪ درآمد دولت) مجاز است		



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شماره متغیر	شرح متغیر	وزن	کدگذاری عددی
	• در حد انعطاف پذیر (به طور مثال بیش از ۱۵٪ درآمد دولت) مجاز است		۰/۳۳
	• هیچ محدودیت قانونی برای اعطای وام وجود ندارد		۰
	ج) شرایط اعطای وام (از لحاظ سررسید، بهره و مبلغ)	۰/۱	
	• به وسیله بانک کنترل می شود		۱
	• در اساسنامه بانک مشخص شده است		۰/۶۷
	• به صورت توافقی بین بانک مرکزی و قوه مجریه تعیین می شود		۰/۳۳
	• به تنهایی توسط قوه مجریه تعیین می شود		۰
	د) وام گیرندگان بالقوه از بانک	۰/۰۵	
	• تنها دولت مرکزی		۱
	• تمام سطوح دولتی (ایالتی و مرکزی)		۰/۶۷
	• موارد یادشده به همراه بنگاه های عمومی		۰/۳۳
	• بخش دولتی و خصوصی		۰
	ز) محدودیت اعطای وام بانک مرکزی تعریف می شود بر حسب	۰/۰۲۵	
	• میزان اسکناس و مسکوک		۱
	• سهمی از سرمایه بانک مرکزی با مطالبات دیداری بانک مرکزی		۰/۶۷
	• سهمی از درآمد دولت		۰/۳۳
	• سهمی از مخارج دولت		۰
	ل) سررسید وام ها	۰/۰۲۵	
	• کمتر از ۶ ماه		۱
	• کمتر از یک سال		۰/۶۷
	• بیش از یک سال		۰/۳۳
	• زمان سررسید وام در قانون مشخص نشده است		۰
	م) نرخ بهره وام ها باید	۰/۰۲۵	
	• بیش از نرخ های حداقل باشد		۱
	• برابر با نرخ های بازار باشد		۰/۷۵
	• کمتر از نرخ های حداکثر باشد		۰/۵
	• نرخ های بهره تعیین نشده اند		۰/۲۵
	• اخذ وام توسط دولت از بانک مرکزی بدون بهره است		۰
	ن) بانک مرکزی از خرید و فروش اوراق قرضه دولتی در بازار اولیه استفاده می کند	۰/۰۲۵	
	• بله		۱
	• خیر		۰

کوکرم، برای تعیین درجه استقلال بانک مرکزی شاخص دیگری معرفی کرده که مبتنی بر عملکرد بانک مرکزی است نه قانون. زیرا در برخی از کشورهای در حال توسعه حتی اگر قوانین بانک مرکزی کاملاً آشکار باشد، ممکن است این قانون در عمل اجرا نشود. وی در این خصوص دو شاخص به شرح زیر معرفی کرده است:

شاخص اول، نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی است و بر اساس این پیش فرض بنا شده که تعداد موارد تعویض رئیس بانک مرکزی (لأقل از حدی به بالا) بیانگر سطح پایین استقلال است. اگر سیاستگذاران همواره فرصتی را برای انتخاب رئیس جدید داشته باشند، کسانی را بر می‌گزینند که خواسته‌هایشان را برآورده نمایند. در حالت تعدد موارد تعویض یعنی زمانی که دوره تصدی رئیس بانک مرکزی کوتاه‌تر از زمان تصدی رئیس قوه مجریه است، فضا برای نفوذ سیاست‌های قوه مجریه بر بانک مرکزی فراهم می‌گردد و تلاش رئیس بانک مرکزی را در اجرای سیاست‌های بلند مدت و فراتر از یک دوره انتخاباتی کم رنگ می‌کند. ولی اگر دوره تصدی رئیس بانک مرکزی بیشتر از دوران تصدی چندین دولت باشد، رئیس بانک مرکزی می‌تواند در برابر فشاری تحمیلی از سوی قوه مجریه مقاومت بیشتری داشته باشد.

شاخص دیگری که استقلال واقعی بانک مرکزی را نشان می‌دهد به صورت گردآوری اطلاعات عملکرد واقعی از طریق پرسشنامه است. در این روش، پرسشنامه‌ای برای کارشناسان پولی بانک مرکزی ارسال می‌گردد. برخی از پرسش‌ها تقریباً مشابه متغیرهایی است که در شاخص قانونی وجود دارد، با این تفاوت که این پرسش‌ها بر جنبه عملکرد واقعی تأکید دارند نه بر جنبه قانونی. جزئیات متغیرهای پرسشنامه در این روش در جدول ۲ ارائه شده است. این متغیرها به کمک وزن‌هایی که در جدول ارائه شده با یکدیگر تلفیق می‌شوند و در نهایت یک عدد به عنوان شاخص استقلال بانک مرکزی به دست می‌آید. هر قدر شاخص به دست آمده بزرگ‌تر باشد، استقلال بانک مرکزی بیشتر است.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. متغیرهای پرسشنامه در شاخص واقعی استقلال بانک مرکزی

شماره متغیر	شرح متغیر	وزن	کدگذاری عددی
۱	دوره تصدی رئیس بانک مرکزی با مقامات قوه مجریه	۰/۱	
	• هم پوشانی ندارد	۱	
	• هم پوشانی کم دارد	۰/۵	
	• هم پوشانی دارد	۰	
۲	محدودیت اعطای وام به دولت در عمل	۰/۲	
	• شدید	۱	
	• مدیریت شده شدید	۰/۶۶	
	• مدیریت شده اندک	۰/۳۳	
	• وجود ندارد	۰	
۳	حل مناقشات (بین بانک و دولت)	۰/۱	
	• به نفع بانک در تمام موارد	۱	
	• به نفع دولت در تمام موارد	۰	
	• سایر حالت‌ها (حالت بینابین)	۰/۵	
۴	استقلال مالی	۰/۱	
	الف) تعیین بودجه بانک مرکزی		
	• توسط خود بانک مرکزی	۱	
	• ترکیبی از بانک مرکزی و قوه مجریه و مقننه	۰/۵	
	• در بیشتر موارد توسط قوه مجریه یا مقننه	۰	
	ب) تعیین حقوق مقامات بالای بانک و نحوه تخصیص سود بانک		
	• اغلب توسط بانک تعیین می‌شود یا در قانون تعیین شده است	۱	
	• ترکیبی از بانک و قوه مجریه یا مقننه	۰/۵	
	• اغلب قوه مجریه یا مقننه	۰	
۵	اهداف میان مدت	۰/۱۵	
	الف) هدف تنظیم حجم پول در حد معین		
	• به طور دائم وجود داشته است	۱	
	• در بیشتر موارد وجود داشته است	۰/۶۶	

ادامه جدول ۲

شماره متغیر	شرح متغیر	وزن	کدگذاری عددی
۶	اولویت دادن به ثبات قیمت‌ها	+ / ۱۵	۰ / ۳۳
			۰
			۱
			۰
۷	انجام وظیفه به عنوان بانک توسعه، تضمین اعتبارات در نرخ‌های یارانه‌ای	+ / ۲۰	۰ / ۳۳
			۰
			۱
			۰ / ۶۶
			۰ / ۳۳
			۰
			۱
			۰ / ۶۶
			۰ / ۳۳
			۰
			۱
			۰ / ۶۶
			۰ / ۳۳
			۰
			۱
			۰ / ۶۶

اوا گوتیرز (۲۰۰۳) از شاخص دیگری برای محاسبه استقلال بانک مرکزی استفاده کرده که اطلاعات حاصل از این روش مبتنی بر قانون است. این شاخص به پنج گروه اصلی به شرح زیر تقسیم می‌شود:

۱. اهداف بانک مرکزی

ثبات قیمت به عنوان مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی پایدار، باید هدف اولیه بانک مرکزی قرار گیرد. به علاوه مسئولیت نظارت بر بانک‌ها به مؤسسات دولتی مستقل واگذار می‌شود.

۲. مسئولیت بانک مرکزی در برابر سیاست‌های پولی و ارزی

بانک مرکزی مستقل این اقتدار را دارد که سیاست پولی و ارزی را برای دستیابی به اهدافش به کار گیرد. اگر بانک مرکزی استقلال هدف داشته باشد می‌تواند برای رسیدن به اهداف اولیه‌اش بر روی هدف‌های پولی تصمیم‌گیری نماید. در صورت استقلال ابزاری بانک مرکزی، این بانک مجری

سیاست‌های پولی و ارزی بر اساس یک هدف تعیین شده از سوی کابینه یا قانون است. هرچند هر دو استقلال ابزار و استقلال هدف درجه بالایی از استقلال را به بانک مرکزی اعطا می‌کند اما هماهنگی با دولت در تنظیم سیاست‌های پولی و ارزی برای پرهیز از بی‌ثباتی اهداف ضروری است. میزان شفافیت در حل مناقشات بین دولت و بانک مرکزی، استقلال بانک مرکزی را افزایش می‌دهد. نوع و نحوه حل مناقشات بیانگر آن خواهد بود که دولت نمی‌تواند بر بانک مرکزی غالب شود، به عبارت دیگر، بانک (به استثنای شرایط اضطراری) مجبور به پذیرش پیشنهادهای دولت نیست. هنگامی که بانک مجبور به تعدیل تصمیماتش بر خلاف ایده‌هایش باشد، در این صورت مسئولیت سیاست‌های تعدیل شده با دولت است.

۳. استقلال سیاسی بانک مرکزی

استقلال سیاسی اعضای هیئت مدیره بانک مرکزی از این جهت مهم است که مانع نفوذ کوتاه مدت و بی‌مورد دولت یا سایر نهادها بر سیاست پولی می‌شود. ترکیب هیئت رئیسه بانک و شیوه انتصاب و عزل اعضا و مدت ریاست آنها، درجه استقلال سیاسی بانک مرکزی را تعیین می‌کند. برای مثال، حضور نماینده دولت با حق رأی در هیئت رئیسه، استقلال بانک مرکزی را کاهش می‌دهد.

۴. استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی بانک نشان دهنده ظرفیت بانک است. برای الف) کنترل تراز مالی خودش و ب) تأثیرگذاری بر سطح نقدینگی و نرخ بهره جهت دستیابی به اهدافش، تأمین اجباری کسری از روش خلق پول جدید و تزریق نقدینگی از طریق عملیات بخش خصوصی، می‌تواند دستیابی به سیاست‌های پولی را به مخاطره بیندازد. منع یا حداقل محدودیت اعتباردهی به دولت و نهادهای غیرمالی، می‌تواند منجر به استقلال اقتصادی بانک مرکزی گردد. لزوم تصویب بودجه بانک توسط قوه مجریه و مقننه ممکن است بانک را در معرض نفوذ سیاسی غیر مستقیم قرار دهد.

۵. حسابرسی

شیوه حسابرسی نظارت فعالیت‌ها، سیاست‌ها و عملکرد بانک مرکزی را تسهیل می‌کند. چنین نظارت‌هایی انگیزه لازم را برای بانک فراهم می‌کند تا سیاست‌هایی را برای رسیدن به اهداف پولی اتخاذ نماید. به علاوه، شفاف بودن نحوه حسابرسی موجب می‌شود تا از مداخله دولت در به کارگیری سیاست‌های بانک مرکزی جلوگیری شود.

هر یک از ۵ گروه دارای اجزای ریزتری هستند که در جدول ۳ ارائه شده است. دامنه کد عددی هر جزء بین یک و منهای یک تقسیم بندی شده است. درجه شاخص استقلال مربوط به هر یک از ۵ گروه اصلی، از جمع جبری رتبه هر یک از اجزا در هر گروه به دست می‌آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴. مبانی نظری الگو، تخمین و تحلیل نتایج

ساختار الگوی تحقیق

کوکرمن در اوایل دهه ۹۰ برای بررسی ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و تورم از رابطه ساده زیر استفاده کرده است:

$$D = \alpha + \beta \cdot CBI$$

که در آن

$$D = \frac{P}{1+P} = \text{نرخ تورم تعدیل شده}$$

CBI = شاخص استقلال بانک مرکزی است

P = نرخ تورم

الگوی فوق در مطالعات بعدی گسترش داده شد و سایرمتغیرهای مؤثر بر تورم نیز به الگو اضافه گردید. برای مثال، الگوی کمپیلو و میرون (۱۹۹۷) برای بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم به صورت زیر بوده است:

$$D = \alpha_0 + \alpha_1 CBI + \alpha_2 TRDGDP + \alpha_3 PST + \alpha_4 GST$$

که در آن

$$D = \frac{P}{1+P} = \text{نرخ تورم تعدیل شده برابر}$$

P = نرخ تورم

CBI = شاخص قانونی استقلال بانک مرکزی

$TRDGDP$ = درجه باز بودن اقتصاد

PST = شاخص بی‌ثباتی سیاسی

GST = شاخص اختلالات سیاسی

جان و دی هان^۱ (۲۰۰۱) برای بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم از الگوی زیر استفاده کردند:

$$D = c_0 + c_1 CBI + c_2 OPEN + c_3 GDPCAP + c_4 PI + c_5 XRATE + c_6 DEBT$$

که در آن

$$D = \text{نرخ تورم تعدیل شده و برابر } D = \frac{P}{1+P} \text{ که در آن } P \text{ نرخ تورم است.}$$

CBI = شاخص استقلال بانک مرکزی

$OPEN$ = درجه باز بودن اقتصاد

$GDPCAP$ = لگاریتم تولید سرانه

PI = شاخص بی ثباتی سیاسی

$XRATE$ = متغیر مجازی نرخ ارز برای کشورهای با رژیم ارزی ثابت

$DEBT$ = نسبت بدهی خارجی به تولید

گوتیرز (۲۰۰۳) برای بررسی رابطه بین شاخص استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم طی دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۹ الگوی زیر را به کار برده است:

$$y_i = \beta X_i + \alpha \sum_{j=1}^5 \gamma_j Z_{ij} + u_i$$

که در آن

y_i = نرخ تورم

X_i شامل متغیرهایی است که به طور بالقوه بر تورم اثر می گذارد (مانند نسبت کسری بودجه به GDP ، درجه باز بودن اقتصاد، متغیرهای مجازی برای کشورهای با نظام ارزی ثابت و شناور و متغیر مجازی برای کشورهایی که بحران بانکی را تجربه کرده اند).

Z_{ij} = جزء j ام شاخص استقلال بانک مرکزی برای کشور i (شاخص استقلال بانک مرکزی به پنج جزء تقسیم شده که جزئیات آن در جدول ۳ بیان شده است).

با توجه به الگوی فوق، در این مطالعه برای بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم از

الگوی زیر استفاده می شود:

$$D = \alpha_1 + \beta_1 CBI + \gamma_1 X \quad (1)$$

$$\dot{D} = \text{نرخ تورم تعدیل شده که برابر است با } \frac{P}{1+P}$$

$$P = \text{نرخ تورم}$$

$$CBI = \text{شاخص استقلال بانک مرکزی}$$

$X =$ برداری از متغیرها که بر تورم اثر می‌گذارند (تولید، نسبت تجارت به تولید، نسبت نقدینگی به تولید و برخی متغیرهای مجازی).

شرحی بر داده‌های آماری

برای برآورد رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم، از داده‌های مقطعی ۵۶ کشور در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۰ استفاده شده است. داده‌های آماری کشورها از بانک اطلاعاتی *WDI* استخراج شده است.

برای محاسبه آمار شاخص استقلال بانک مرکزی کشورها (شاخص نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی) از داده‌های مقاله Jan – Egbert Sturm and Jakob Dehan, 2001 استفاده شده است. در مورد ایران برای محاسبه شاخص استقلال بانک مرکزی از روش‌های مختلفی استفاده شده که در این مقاله سه تا از این شاخص‌ها برای بانک مرکزی ایران محاسبه گردیده و در نهایت، برای برآورد الگو به دلیل هماهنگی آمار با سایر کشورها از شاخص نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی استفاده شده است.

۱. محاسبه شاخص استقلال قانونی برای بانک مرکزی ایران

این شاخص با استفاده از پرسش‌های جدول ۱ و بر اساس قوانین موجود کشور برای ارزیابی استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر محاسبه شده است:

$$\begin{aligned} \text{میزان شاخص قانونی} &= 0/2 \left[\frac{(0/5+0+0/17+1)}{4} \right] + 0/15 [0/33 \times 0/25 + 0/2 \times 0/5 + 0 \times 0/25] \\ &+ 0/15 [0/4] + 0/15 [0] + 0/1 [0] + 0/1 [0/33] + 0/05 [0/33] + 0/1 \left[\frac{0/67+0+0/25+0}{4} \right] \\ &= 0/0835 + 0/027375 + 0/06 + 0 + 0 + 0/033 + 0/0165 + 0/023 \cong 0/25 \end{aligned}$$

دامنه این شاخص بین صفر و یک است. هرچه به یک نزدیک تر باشد استقلال بانک مرکزی بیشتر است. میزان این شاخص برای اقتصاد ایران ۰/۲۵ است که بیانگر پایین بودن درجه استقلال قانونی بانک مرکزی ایران است.

۲. محاسبه شاخص های واقعی استقلال برای بانک مرکزی ایران

در مطالعات اقتصادی برای محاسبه این شاخص دو روش ارائه شده است:

الف) شاخص نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی

این شاخص مبتنی بر این فرض است که نرخ تعویض بالای رئیس بانک مرکزی بیانگر سطح پایین استقلال بانک مرکزی است. دامنه این شاخص بین صفر و یک است. عدد به دست آمده از این شاخص طی دهه ۹۰ برای اقتصاد ایران ۰/۲ می باشد.

ب) شاخص مبتنی بر اطلاعات به دست آمده از عملکرد بانک مرکزی

برای ارزیابی استقلال بانک مرکزی با استفاده از این روش، پرسش های مندرج در جدول ۲ برای بانک مرکزی کشور محاسبه شده است. پاسخ به این پرسش ها مبتنی بر عملکرد واقعی بانک مرکزی است (نه براساس قانون).

$$\begin{aligned} \text{میزان شاخص واقعی} &= 0/1[0/5] + 0/2[0.33] + 0/1[0.5] + 0/1\left[\frac{1+1}{2}\right] + 0/15\left[\frac{0/33+1}{2}\right] \\ &+ 0/15[0/33] + 0/2[0/66] \\ &= 0.05 + 0.066 + 0.05 + 0/1 + 0/09975 + 0/0495 + 0/132 = 0/54 \end{aligned}$$

دامنه این شاخص بین صفر و یک است. هرچه به سمت یک نزدیک تر باشد استقلال بانک مرکزی بیشتر است. عدد این شاخص برای اقتصاد ایران برابر ۰/۵۴ است که در مقایسه با شاخص قانونی اندکی بیشتر است و این امر نشان می دهد که در عمل تمایل مقامات پولی و مالی کشور به استقلال بانک مرکزی بیشتر است.

برآورد الگو و تحلیل نتایج

برای بررسی تجربی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم ۴ برآورد مختلف برای الگوی (۱) با استفاده از داده های مقطعی ۵۶ کشور در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۰ برآورد گردیده است. نتایج تخمین مدل در جدول ۴ ارائه شده است.

همان طور که از جدول مذکور مشاهده می‌شود، در معادله اول ضریب شاخص استقلال بانک مرکزی از نظر آماری معنادار نیست و الگو قدرت توضیح دهنده‌گی پایینی (R^2 پایین) دارد و نشان می‌دهد که متغیر استقلال بانک مرکزی برای کاهش تورم به تنهایی کافی نیست. در معادلات بعدی برای رفع این مشکل متغیرهای دیگر مؤثر بر تورم به الگو اضافه شده است. بدین ترتیب، متغیرهای نسبت تجارت به تولید، نسبت نقدینگی به تولید و تولید سرانه به الگو اضافه می‌شود. متغیر نسبت تجارت به تولید از نظر آماری معنادار و دارای علامت مورد انتظار است و بیانگر آن است که هرچه سهم تجارت خارجی از تولید داخلی بالاتر باشد (یعنی هرچه اقتصاد بازتر باشد)، باعث کاهش تورم در آن کشور می‌شود. متغیر نسبت نقدینگی به تولید به عنوان شاخصی از درجه عمق بازار مالی تأثیر معناداری بر کاهش تورم داشته است، به عبارت دیگر، هرچه بازارهای مالی در یک کشور گسترده‌تر باشد، تورم آن کشور پایین بوده است. متغیر تولید سرانه دارای علامت مورد انتظار و معنادار است. هرچه تولید سرانه کشورها بالاتر باشد تورم در آن کشورها کمتر بوده است. متغیر شاخص استقلال بانک مرکزی (نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی) گرچه دارای علامت مورد انتظار است، این متغیر در تمام معادله‌ها معنادار نیست.



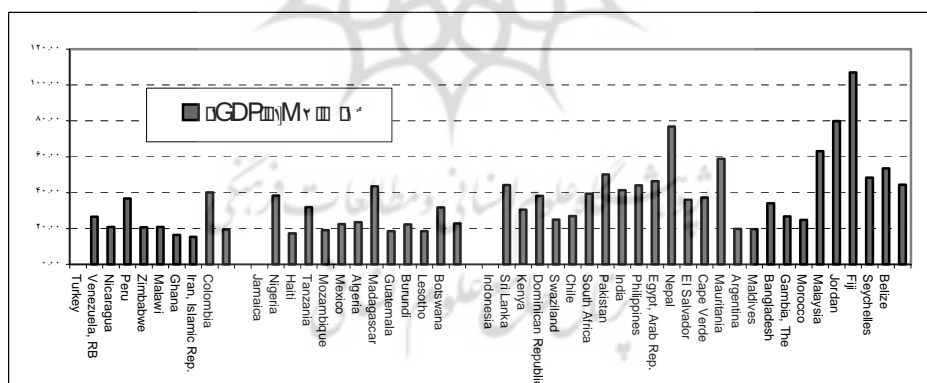
پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف) شاخص‌های درجه عمق بازارهای مالی

یکی از شاخص‌هایی که معمولاً برای بررسی درجه عمق بازارهای مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نسبت نقدینگی به تولید است. هرچند که این شاخص دارای نقص است و نحوه توزیع نقدینگی را نشان نمی‌دهد، به دلیل سهولت محاسبه و دسترسی به آمار معمولاً از آن استفاده می‌شود. در نمودار ۲ این شاخص برای سه گروه از کشورهای با درجه بالای استقلال بانک مرکزی مورد مقایسه قرار گرفته است. در این نمودار هرچه از سمت چپ به راست حرکت کنیم، نرخ تورم کشورهای کاهش می‌یابد. همان طور که نمودار مذکور نشان می‌دهد به طور متوسط بیشتر کشورهای سمت راست که دارای نرخ تورم پایین هستند، تقریباً از درجه بالای عمق بازار مالی برخوردارند.

با توجه به شاخص‌های فوق به طور خلاصه می‌توان گفت، اکثر کشورهای که از بازارهای مالی توسعه یافته‌ای برخوردارند، رابطه معکوس بین استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم در آنها تقریباً قابل مشاهده است. در این کشورها هرچه بانک مرکزی از درجه استقلال بالایی برخوردار باشد، نرخ تورم در آنها تقریباً کمتر است.

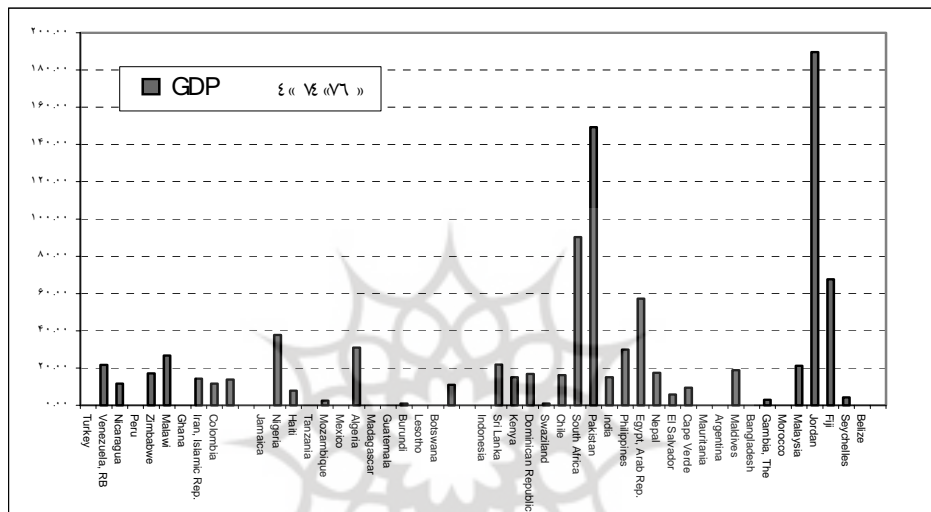
نمودار ۲. نسبت نقدینگی به تولید در کشورهای منتخب با استقلال بالا



از دیگر شاخص‌هایی که می‌توان برای توسعه بازارهای مالی استفاده کرد، نسبت سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به تولید ناخالص داخلی است. این شاخص برای سه گروه از کشورهای مذکور در نمودار ۳ به تصویر کشیده شده است. شواهد تا حدودی حاکی از آن است که

برخی از کشورهای سمت راست (که دارای تورم پایین هستند) به طور متوسط از شاخص نسبت تشکیل سرمایه به تولید بالایی برخوردارند.

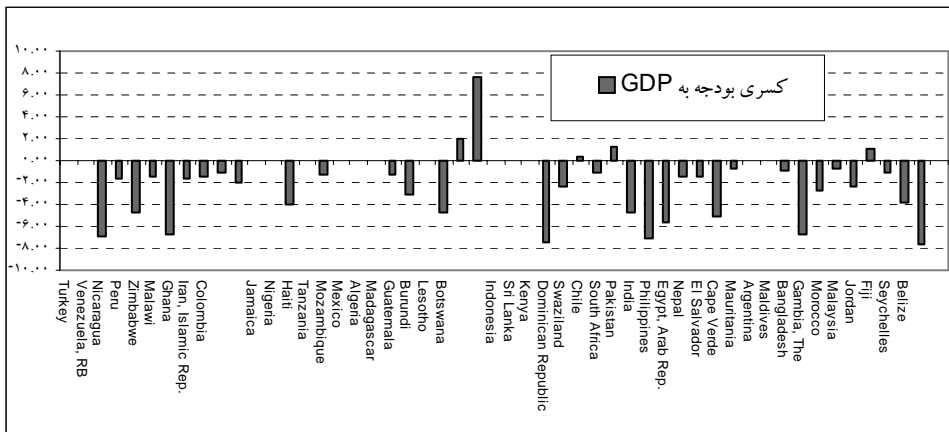
نمودار ۳. نسبت تشکیل سرمایه به تولید شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در کشورهای منتخب با استقلال بالا



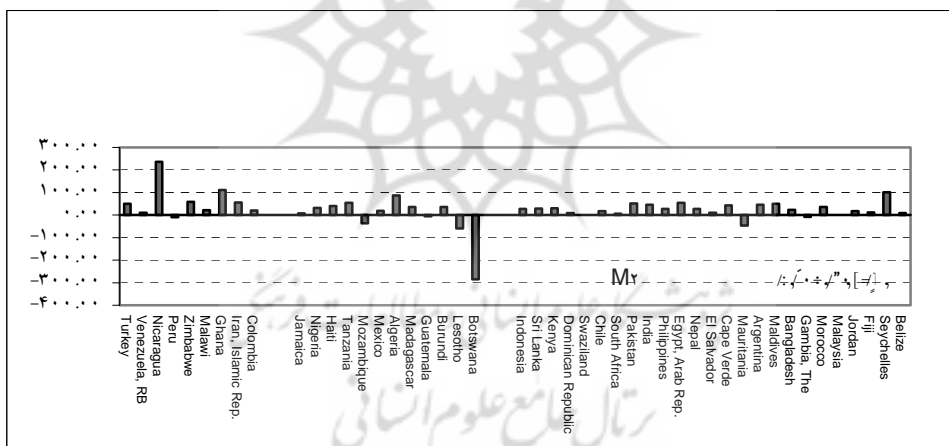
ب) کسری بودجه و نحوه تامین آنها

عدم تعادل‌های مالی یکی از متغیرهایی است که معمولاً منجر به تورم می‌گردد. برای بررسی این موضوع نسبت کسری بودجه به تولید در کشورهای مورد مطالعه محاسبه و در نمودار ۴ ارائه شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود رابطه بین این نسبت و نرخ تورم به طور آشکار دیده نمی‌شود. در نمودار ۵ نسبت اعتبارات دولتی بانک مرکزی به نقدینگی برای کشورهای مذکور ارائه شده است. شواهد موجود حاکی از آن است که این نسبت برای گروهی از کشورهایی که در سمت راست نمودار قرار دارند (کشورهایی با تورم پایین) به طور متوسط در مقایسه با بقیه کشورها کمتر است. به نظر می‌رسد که میزان کسری به تنهایی برای ایجاد تورم نقش مؤثری ندارد و آنچه حائز اهمیت است، نحوه تأمین مالی آن است. معمولاً کسری که از طریق استقراض از سیستم بانکی تأمین مالی می‌شود تورم‌زاست.

نمودار ۴. نسبت کسری بودجه به تولید در کشورهای منتخب با استقلال بالا



نمودار ۵. نسبت اعتبارات اعطا شده به بخش دولتی به تولید در کشورهای منتخب با استقلال بالا



به طور خلاصه یافته‌های این مطالعه برای ۵۶ کشور در حال توسعه، نشان می‌دهد رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم لزوماً برای همه کشورها وجود ندارد و این رابطه عمدتاً در کشورهای مشاهده می‌شود که دارای شرایط زیر باشند:

- بازارهای مالی توسعه یافته‌ای داشته باشند.

- دولت برای تأمین بودجه خود منابع درآمدی مطمئن داشته باشد و بدهی‌های خود را از طریق منابع غیر از استقراض بانک مرکزی تأمین مالی کرده باشد.
 - برای بررسی این مسئله که آیا می‌توان در اقتصاد ایران از طریق افزایش درجه استقلال بانک مرکزی به نرخ تورم پایین دست یافت یا نه، لازم است که الزامات مذکور مورد بررسی قرار گیرد. اطلاعات مربوط به برخی از شاخص‌های اقتصاد ایران در جدول ۵ نشان داده شده است. در این جدول چند شاخص ارائه شده است.
 - نسبت تشکیل سرمایه شرکت‌ها به تولید. این نسبت از $\frac{2}{3}$ درصد در سال ۱۹۹۳ به حدود $\frac{13}{2}$ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است.
 - نسبت سهام مبادله شده به تولید ناخالص داخلی. این نسبت از $\frac{0}{5}$ درصد در سال ۱۹۹۳ به $\frac{2}{81}$ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است.
 - نسبت کسری بودجه به تولید. این نسبت طی سال‌های اخیر کاهش یافته است.
 - نسبت بدهی بخش دولتی به تولید ناخالص داخلی. طی دوره مذکور حدود نیمی از نقدینگی را بدهی بخش دولتی تشکیل می‌دهد که این امر از عملیات کسری مالی و شبه مالی نظیر حساب ذخیره تعهدات ارزی ناشی شده است.
 - ترکیب درآمدهای دولت. درآمدهای نفت سهم زیادی از کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد و سهم درآمدهای مالیاتی در مقایسه با درآمدهای نفتی اندک است.
- با توجه به شاخص‌های مورد اشاره برای اقتصاد ایران، استقلال بانک مرکزی در کشور از چند نظر قابل تأمل است: اول اینکه، بازار مالی در کشور، سطح توسعه یافتگی کمی دارد و سهم این بازار در تأمین منابع مورد نیاز دولت ناچیز است. دوم اینکه، به رغم تلاش‌های انجام شده برای کارآمد ساختن نظام مالیاتی، کماکان سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت کم است و بودجه دولت بیشتر به درآمدهای نفتی، که این درآمدها از کنترل دولت خارج است، وابسته است. لذا با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر منابع درآمدی و توسعه نیافتگی بازارهای مالی، استقلال بانک مرکزی به تعمق بیشتری نیازمند است و قبل از هر چیز لازم است که:
- بازارهای مالی توسعه یابد تا اینکه استقلال بانک مرکزی بتواند کارایی خود را برای کنترل و ثبات سطح عمومی قیمت‌ها داشته باشد.

- ترکیب بودجه دولت به گونه‌ای اصلاح شود تا اثر پذیری سیاست‌های پولی از بودجه به حداقل برسد.

جدول ۵. آمار برخی نسبت‌ها در اقتصاد ایران

سال	نسبت تشکیل سرمایه شرکت‌ها به GDP	نسبت سهام مبادله شده به GDP	نسبت کسری بودجه به GDP	نسبت اعتبارات بخش دولتی به نقدینگی	نسبت درآمدهای نفتی دولت از درآمدها	نسبت درآمدهای مالیاتی دولت از درآمدها
۱۹۹۳	۲/۳۲	۰/۵۵	-۰/۴۷	۵۱/۲۳	۷۲/۲	۱۹/۹
۱۹۹۴	۴/۲۰	۰/۶۴	-۰/۱۹	۵۷/۷۷	۷۳/۲	۱۸/۷
۱۹۹۵	۷/۵۰	۰/۸۵	۱/۳	۵۷/۶۷	۷۰/۳	۱۷/۵
۱۹۹۶	۱۶/۲۵	۲/۵	۰/۹	۶۳/۵۱	۶۶/۵	۲۱/۹
۱۹۹۷	۱۵/۲۴	۱/۲۲	-۰/۳۷	۵۳/۴۰	۵۵	۲۶/۷
۱۹۹۸	۱۴/۵۶	۱/۳۶	-۵/۷۱	۶۲/۰۴	۴۳/۸	۲۹
۱۹۹۹	۲۱/۹۲	۲/۲۸	-۰/۸	۵۸/۸۹	۴۷	۲۷/۳
۲۰۰۰	-	۱/۵۹	-۰/۶۴	۴۶/۵۵	۵۵/۵	۳۰/۷
۲۰۰۱	۱۲/۳	۱/۱۷	-۰/۲۰	۴۳/۱	۴۹/۹	۳۲/۴
۲۰۰۲	۱۳/۲	۲/۸۱	-۰/۸۹	۴۸/۵	۴۷	۲۴

- تا سال ۲۰۰۰ اطلاعات براساس *World Development Report (WDI)* به دست آمده و اطلاعات مربوط به دو سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ براساس آمارهای بانک مرکزی محاسبه شده است.

۵. نتیجه گیری

در این مقاله با استفاده از آمار مقطعی ۵۶ کشور در حال توسعه از جمله ایران، رابطه بین استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم طی دهه ۹۰ میلادی مورد بررسی قرار گرفته و الگوهای مختلفی برآورد شده است. نتایج حاکی از آن است که در تمام الگوهای برآورد شده هرچند شاخص استقلال بانک مرکزی دارای علامت مورد انتظار است، ضریب مربوط به آن در هیچ کدام از الگوها معنادار نیست. لذا سایر شرایط نظیر عمق بازارهای مالی و نحوه تأمین مالی کسری بودجه دولت در کاهش تورم مؤثر

هستند. بدین ترتیب کشورهایی که از بازارهای مالی توسعه یافته‌ای برخوردارند، در حالت کلی رابطه معکوس بین استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم در آنها تقریباً قابل مشاهده است. به علاوه، در کشورهای با کسری بودجه بالا که کسری خود را از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌کند، به رغم بانک مرکزی با درجه استقلال بالا احتمال اینکه به تورم پایین دست یابند، ضعیف است.

برای بررسی استقلال بانک مرکزی در ایران شاخص‌های مختلفی محاسبه شده است. براساس شاخص قانونی کوکرم، عدد این شاخص برای بانک مرکزی ایران ۰/۲۵ است. براساس شاخص نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی طی دهه ۹۰، ۰/۲ و براساس شاخص واقعی مبتنی بر اطلاعات حاصل از عملکرد واقعی اقتصاد ۰/۵۴ است.

برای پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان در اقتصاد ایران از طریق افزایش درجه استقلال بانک مرکزی به نرخ تورم پایین دست یافت یا نه، شاخص‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی شاخص‌های توسعه بازارهای مالی و ترکیب درآمدهای دولت نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی در کشور از چند نظر قابل تأمل است: اول اینکه، بازار مالی در کشور سطح توسعه یافتگی کمی دارد و سهم این بازار در تأمین منابع مورد نیاز دولت ناچیز است. دوم اینکه، به رغم تلاش‌های انجام شده برای کارآمد ساختن نظام مالیاتی، کماکان سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت کم است و بودجه دولت بیشتر به درآمدهای نفتی وابسته است و تا حدودی از کنترل دولت خارج است. بنابراین، با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر منابع درآمدی و توسعه نیافتگی بازارهای مالی، استقلال بانک مرکزی به تعمق بیشتری نیازمند است و قبل از هرچیز لازم است که:

- بازارهای مالی توسعه یابد تا اینکه استقلال بانک مرکزی بتواند کارایی خود را برای کنترل و ثبات سطح عمومی قیمت‌ها داشته باشد.

- بودجه دولت به گونه‌ای اصلاح شود تا اثر پذیری سیاست‌های پولی از بودجه دولت به حداقل

برسد.

منابع

الف) فارسی

- ناقلی ایزدموسی و مینا کنکاشی. (۱۳۷۹). پیرامون اهمیت اقتصادی استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهرامی، مهناز. (۱۳۸۰). معرفی و ارزیابی استقلال بانک مرکزی در راستای اجرای سیاست پولی مستقل برای مهارتورم و تثبیت قیمت ها (با نگاهی اجمالی به مورد ایران). مجله روند. سال یازدهم. شماره ۳۲ و ۳۳.



ب) انگلیسی

- Barro, R.J. and Gordon, D.B. (1983). "A Positive Theory of monetary Policy in a Natural Rate Model". *Journal of Political Economy*. 91. pp. 101 – 121.
- Banaian, King, Leroy Laney, and Thomas Willett. (1983). "Central Bank Independence: An International Comparison". *Economic Review: Federal Reserve Bank of Dallas* (March): 1-13.
- Campillo, M. and J. Miron. (1997). "Why Does Inflation differ Across Country?". *Reducing Inflation: Motivation and Strategy* (Chicago: ed. By Christina D.Romer and David H.Romer Univesity of Chicago Press)
- Cukierman, A. (1992). *Central Bank Strategy, Credibility and Independence – Theory and Evidence*. Cambridge, Massachusetts, The MSI Press.
- Cukierman, A., S.B. Webb and B. Neyapti. (1992). "Measuring the Independence of Central Banks and its Effects on Policy Outcomes". *The World Bank Economic Review*. Vol.6. pp. 353-368.
- Debelle, G and Fischer, S. (1994). "How Independent Should be a Central Bank?". Federal Reserve Bank of Boston Conference Series, No. 38, June.
- Eva Gutierrez. (2003). "Inflation Performance and Constitutional Central Bank Independence: Evidence From Latin America and the Caribbean". *IMF Working Paper*. WP/03/53.
- Jakobe and Kooi. (1998). "Does Central Bank Independence Really Matter? New Evidence for Developing Countries Using a New Indicator". *Department of Economics*. University of Grainger the Netherlands.
- Grilli, Vittorio, Donato Masciandaro, and Guido Tabellini. (1991). "Political and Monetary Institutions and Public Financial Policies in the Industrial Countries". *Economic Policy*. 13: 341-92
- Jan – Egbert Sturm, Jakob Dehan. (2001). Cesifo Working Paper. No. 511.
- Kydland, F.E, and Prescott, E.C. (1977). "Rules Rather than Discretion: The Inconsistency of Political Economy ". 85, pp. 473-490.
- Loun gani, P, and N. Seets. (1997). "Central Bank Independence, Inflation, and Growth in Transition Economies". *Journal of Money, Credit and Banking*. Vol. 29. No. 3. pp. 99-381.
- Mas Ignacio. (1995). "Central Bank Independence: a Critial View from a Developing Country Perspective". *World Development*. Vol. 23. No. 10.